

متن* مصاحبه رادیو ایرانیان (لوس آنجلس)

با آقای دکتر ابراهیم یزدی در تاریخ ۷۶/۰۱/۲۵

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران، سلام بر شما. با سلام به شما و تمام هموطنان عزیز خارج از کشور.

آقای دکتر، ممنونم از این که بار دیگر پذیرفتید با رادیو صدای ایران گفتگو کنید. من پرسش نخستینم از شما این است که در شرایط کنونی، اوضاع انتخابات بر چه مدار می‌گردد؟ آیا صلاحیت‌ها حقیقتاً مورد تحقیق قرار گرفته و چه زمانی اعلام خواهد شد؟ تأیید خواهد شد یا رد خواهد شد؟

عرض کنم، این طور که اعلام شده است، از چهارم اردیبهشت، تا هشتم اردیبهشت، زمان برای ثبت‌نام کاندیداها می‌باشد. داوطلبان می‌بایستی به وزارت کشور در تهران مراجعه و ثبت‌نام کنند. بعد در حدود ده روز طول می‌کشد تا شورای نگهبان جواب بدهد چه کسانی را تأیید کرده و چه کسانی را تأیید نکرده است. بنابراین، الان هیچ نوع بحثی در این زمینه نمی‌شود کرد - چون هنوز زمان ثبت‌نام فرا نرسیده است - و موکول می‌شود به بعد از ثبت‌نام و بعد از اعلام نظر شورای نگهبان.

آقای دکتر، امید این که صلاحیت خودتان تصویب شود وجود دارد؟

خیلی بعید می‌دانیم. ولی در هر حال، شورای نگهبان این سابقه را دارد که در مواردی، کسانی را رد صلاحیت کرده ولی در دوره بعد یا به مناسبت دیگری صلاحیت آنان را تأیید کرده است. برعکسش را هم ما دیده‌ایم که در یک مرحله صلاحیت فردی را تصویب کرده و در مرحله بعد، رد کرده‌اند. بنابراین، خیلی مشکل است که ما بتوانیم پیش‌بینی کنیم.

آقای دکتر، در بسیاری از نشریه‌های خارجی صحبت از این است که از پیش روشن است که رئیس جمهور آینده کیست، آقای ناطق‌نوری است. بعد گفته می‌شود که این ساختار مبارزات انتخاباتی در

حقیقت سناریویی بیش نیست. شما چه قدر اطمینان دارید که این انتخابات خوب برگزار شود؟ آن چیزی که خارجی‌ها می‌گویند واقع‌بینانه نیست. ممکن است که بعضی از قدرتهای خارجی آرزو و تمایل خودشان را در انتخاب یک فرد خاص به این ترتیب بیان کنند، ولی پیش‌بینی این که چه کسی پیروز خواهد شد بسیار سخت است. آمارهایی بعضی از محافل و نهادها گرفته‌اند. اگر این آمارها دقیق باشد، آقای خاتمی جلوتر از آقای ناطق‌نوری است. اما همه پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که هیچ‌کس در دور اول برنده نخواهد شد و انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد. بنابراین، نمی‌توان به این پیش‌بینی‌ها اعتنا کرد. اما انتخابات سالم و آزاد پیش‌شرط‌هایی دارد. معمولاً دمکراسی بدون آزادی‌های سیاسی موردی ندارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در یک فصل - فصل سوم - حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم ایران را تعریف و تصریح کرده و در فصل پنجم، حاکمیت ملت و چگونگی اعمال آن را بیان کرده

* متن ویرایش شده.

است که منظور همان انتخابات ادواری است. بدون اجرای اصول مصرح در فصل سوم - که همان حقوق و آزادی‌های مردم باشد - امکان برگزاری انتخابات آزاد و یا سالم وجود ندارد. در شرایط کنونی، تلاش ما در ایران این است که بتوانیم این شرط‌های لازم را ولو به طور محدود و نسبی محقق کنیم و از طریق مشارکت در انتخابات، برخی از این آزادیها را به دست آوریم. اما این که انتخابات سالم هست یا نه، خوب در انتخابات کنونی یک پدیده جدید وارد صحنه شده است. در انتخابات گذشته - به جز انتخابات دوره اول - همیشه یک فرد که همه گروه‌های درون حاکمیت در مورد او اجماع داشتند کاندیدا بود و سایر کسانی که کاندیدا می‌شدند، برای خالی نبودن عریضه بود. اما این بار چنین به نظر می‌رسد که رقابت بین جناح‌های درون حاکمیت جدی است، یک سناریو و یک بازی نیست. کسانی در درون همین حاکمیت دارای یک سلسله اعتقادات و باورهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصی هستند و در برابر آنها جناح دیگری هست که کلاً مخالف آنان است. بنابراین، رقابت این دو جناح امروز به صورت هواداری از این فرد یا آن فرد تجلی یافته است. خوب، از این جهت که رقابت فقط میان جناح‌های درون حاکمیت است می‌توانیم بگوییم که محدود است، آن امکاناتی که برای کاندیداهای درون حاکمیت وجود دارد برای افراد خارج از حاکمیت هرگز وجود ندارد. در حالی که قانون انتخابات تبلیغات انتخاباتی را از یک هفته تا ده روز بعد از تصویب صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان معین و مقرر کرده و قبل از آن هیچ یک از کاندیداها حق تبلیغ ندارد، عملاً می‌بینیم که برخی از کاندیداها (در حال حاضر، تمام کاندیداهایی که وابسته به جناح‌های درون حاکمیت هستند)، آزادانه به فعالیت‌های انتخاباتی مشغولند، سفرهای انتخاباتی می‌کنند و بیانیه‌های انتخاباتی می‌دهند. اما در مورد کاندیداهای خارج از حاکمیت، چنین امکاناتی وجود ندارد و معمولاً روزنامه‌ها هم چیزی منعکس نمی‌کنند. به عنوان مثال، کنفرانس مطبوعاتی نهضت آزادی ایران - به هنگام معرفی کاندیدا و اعلام برنامه‌ها و نظریاتش - در روزنامه‌های ایران تقریباً بایکوت و سانسور شد و هیچ روزنامه‌ای آن را منعکس نکرد. خوب، این از یک جهت جو انتخابات را ناسالم می‌کند و انتخابات را به طرفی می‌برد. این که فقط جناح‌های وابسته به حاکمیت از این امکانات برخوردار باشند. حتی کاندیدای یکی از همین جناح‌ها به طور یک طرفه از امکانات رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند. از این جهت، انتخابات شرایط لازم برای سالم بودن را ندارد.

خیلی ممنونم آقای دکتر یزدی، یک شایعه هم در خارج از کشور وجود دارد که می‌گویند شما و آقای سبحانی ممکن است به سود آقای خاتمی کنار بروید و به رأی‌دهندگان بگویید که رأی خود را به آقای خاتمی بدهند. آیا این درست است؟

نهضت آزادی ایران چنین چیزی را اعلام نکرده و چنین برنامه‌ای را هم فعلاً ندارد. در مورد آقای مهندس سبحانی ما نمی‌دانیم؛ باید از خود ایشان سؤال کنید.

آقای دکتر یزدی، اگر بخواهید در شرایط کنونی وضع اقتصاد ایران را تشریح کنید و تابلویی به دست دهید در چند عبارت، چگونه این عبارات را انتخاب می‌فرمایید؟

اقتصاد ایران با دو بحران رکود و تورم روبرو است. برنامه‌ای که در طی هشت سال گذشته اعلام شد، برنامه معروف به تعدیل اقتصادی است. تعدیل اقتصادی در تعریف صندوق بین‌المللی پول و تعاریف شناخته و قبول شده کنونی عبارت است از آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی. اگر بخواهیم بگوییم

که آیا برنامه‌های اقتصادی موفق بوده یا نه، این را باید در هدفهای تعیین شده در برنامه‌های اقتصادی جستجو کنیم. به نظر ما، اگر تعریف را بر این اساس بگیریم و هدفها را خصوصی‌سازی اقتصادی در نظر بگیریم، برنامه‌ها موفقیت‌آمیز نبوده است. هنوز ۶۰ درصد اقتصاد ایران توسط بنیادها و نهادهایی کنترل می‌شود که نه دولتی هستند، نه تعاونی و نه خصوصی. همان‌طور که مستحضر هستید، قانون اساسی ایران سه بخش را در فعالیتهای اقتصادی به رسمیت شناخته است: بخش دولتی، بخش تعاونی، بخش خصوصی. این نهادها و بنیادها جزو هیچ یک از این سه بخش نیستند و خودشان را عملاً تابع دولت و موظف به تبعیت از سیاستهای دولت نمی‌دانند. بعضاً به صورت دولتی در درون دولت عمل می‌کنند و به دولت مالیات هم نمی‌دهند. بنابراین، خود اینها برای دولت مشکل‌آفرین هستند. بخش دیگری از برنامه تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی بود اما، عملاً کار چندانی صورت نگرفته است، به طوری که ۶۳ درصد بودجه سال ۱۳۷۶ دولت که قبل از سال نو در مجلس تصویب شد، به شرکت‌های دولتی اختصاص داده شده و تعداد این شرکتها به موجب آمارهای رسمی که منابع دولتی منعکس کرده‌اند، نه تنها کم نشده بلکه زیادتر هم شده است. بنابراین، با چنین وضعیتی، طبیعی است که دولت از یک طرف برنامه آزادسازی و خصوصی‌سازی را اعلام کرده است ولی از طرف دیگر، عملاً با چنین گروههای فشار اقتصادی در درون روبرو است و عملاً موفق نبوده است. به همین دلیل، وقتی شما به کارنامه دولت نگاه می‌کنید - علیرغم برخی از مسائل که اعلام می‌شود و یا افتتاح بعضی از مراکز صنعتی و غیره - روی رقم و عدد و در مقایسه با آن چیزی که در برنامه و هدفها اعلام شده موفقیت‌آمیز نبوده است.

آقای دکتر یزدی بفرمایید که آیا در واقع این بیماری اقتصادی ما یک بیماری سیاسی است، یعنی از ریشه‌های سیاسی سرچشمه می‌گیرد؟

در کشور ما و کشورهای مشابه ما بحران سیاسی ریشه بسیاری از مسائل و عامل اصلی محسوب می‌شود. به همین دلیل، ما معتقدیم تا زمانی که بحران سیاسی حل نشود، بحران‌هایی نظیر بحران اقتصادی را نمی‌توانیم حل کنیم. به نظر نهضت آزادی ایران، موفقیت در توسعه اقتصادی فارغ از این که توسعه اقتصادی را چه چیز بدانیم بدون توسعه سیاسی امکان‌پذیر نیست اما در مورد توسعه اقتصادی، برنامه نهضت آزادی توسعه صنعتی - کشاورزی است، با دو هدف مشخص: یکی جایگزینی کالاهای مصرفی با تولید داخلی و در فاز دوم، توسعه صادرات به منظور پیدا کردن جایگزین درآمد نفت. اما هیچ یک از اینها امکان‌پذیر نیست، مگر با توسعه سیاسی. بنابراین، باید ابتدا فکری کرد که بحران سیاسی حل شود و کاهش پیدا کند و جامعه به طرف تنش‌زدایی و ثبات درازمدت برود. آن وقت طرح این‌گونه برنامه‌های اقتصادی و بحث پیرامون آنها امکان‌پذیر خواهد بود.

بفرمایید که در شرایط کنونی، پیامدهای رأی دادگاه میکونوس - که در جریان آن حتماً هستید -

فکر نمی‌کنید که فشارهای تازه‌ای بر اقتصاد ایران بیاورد و وضع را از آنچه که هست تیره‌تر کند؟
در مورد دادگاه میکونوس تنها می‌توانیم احتمال پیامدها را مورد بحث قرار دهیم، چون دقیقاً نمی‌دانیم که در پشت ذهن یا در پس این تصمیمات دولتهای اروپایی چه چیزی هست. ما فقط می‌توانیم پیامدها را بررسی کنیم. به نظر ما فعلاً اولین پیامدش همین فراخوانی سفرای کشورهای اروپایی و بعضی از اعضای کشورهای مشترک‌المنافع انگلیس مثل کانادا، استرالیا، زلاندنو و غیره است. این که آیا به دنبال این حرکت،

فشارهای اقتصادی یا محدودیت در تبادل اقتصادی با ایران را هم اعمال خواهند کرد یا نه، هنوز معلوم نیست. البته اتحادیه اروپا گفته است که آن کار را نخواهد کرد. برخی از کشورهای اروپایی، مثل فرانسه، هم اعلام کرده‌اند که با تسری این پدیده به فشارهای اقتصادی موافق نیستند. اما این که میان مانورهای مشترک انگلیس و آمریکا در برابر اروپا تا چه اندازه اروپا می‌تواند مستقل عمل کند و یا تا چه اندازه آمریکایی‌ها موفق خواهند شد که با مانورهای دیگری که در برنامه دارند، نظر خودشان را تحمیل کنند و این جبهه‌گیری‌ها را علیه ایران توسعه دهند، قابل بحث است. به عنوان نمونه می‌بینیم که انگلستان از تصمیم اتحادیه اروپا حمایت کرده و آمریکایی‌ها ابراز خوشحالی و حمایت کرده‌اند ولی گفته‌اند که کافی نیست و اروپا باید مراودات اقتصادی خودش را با ایران محدود کند. از طرفی در ظرف همین دو روز گذشته ما ناگهان می‌بینیم که اخبار مربوط به دخالت ایران در انفجار پایگاه آمریکایی‌ها در طهران مطرح می‌شود. آیا منظور از طرح این موضوع توسط منابع و مآخذ آمریکایی ایجاد صحنه جدید علیه ایران، به بهانه دخالت ایران در انفجار پایگاه نظامی آمریکایی‌ها در طهران است؟ آیا این بخشی از یک سناریو جدید است؟ خوب، این‌ها قابل بحث است. آمریکایی‌ها چند ماه قبل اعلام کردند که اگر مطالعات آنها روشن کند که یک کشور خارجی در انفجار طهران دخالت داشته است، دست به مجازات نظامی خواهند زد. خوب، این یک تهدید جدی برای کشور ما است. تهدید جدی دیگر در خلیج فارس است.

در کنفرانس مطبوعاتی نهضت آزادی راجع به روابط خارجی مورد سؤال قرار گرفتیم، به صراحت گفتیم که موافقیم که دولت ایران با هر دولت خارجی، مثل آمریکا، که مشکل دارد به گفتگو بنشیند و مذاکره کند. دنیا دنیایی است که می‌باید اختلافات را با نشستن و گفت‌وگو حل کرد. اما یک شرط دارد و آن این که آمریکایی‌ها باید علی‌الاصول به عنوان یک پیش‌شرط بپذیرند که خلیج فارس غیرنظامی شود. در تاریخ نظامی دنیا تمرکز و تراکم چنین حجمی از تجهیزات نظامی در منطقه کوچکی مثل خلیج فارس سابقه ندارد. طبیعی است که ایران باید نگران امنیت خود باشد و به چنین خطرات احتمالی و بالقوه اعتراض کند. شما خاطرتان هست که وقتی روس‌ها در کوبا، در زمان خروش چف، دو سکوی پرتاب موشک با کلاهک اتمی نصب کردند، آمریکایی‌ها چه واکنشی نشان دادند؟ خوب، طبیعی است که ما نمی‌توانیم نسبت به خطرات احتمالی در خلیج فارس بی‌توجه باشیم. دولت ایران می‌بایستی این شرط را بگذارد که خلیج فارس باید غیرنظامی شود. نفس وجود این حجم از تسلیحات و تجهیزات نظامی خطرآفرین است و هر لحظه می‌تواند خطایی در خواندن علائم طرفین به وجود بیاید که منجر به یک درگیری نظامی شود و کل منطقه را به آتش کشد. خوب این‌ها مورد نظر ما است و ما نگران این هستیم که پیامد رأی دادگاه می‌کونوس به فراتر از آن چیزی که الان هست برسد و به خطرات جدی‌تری علیه ایران تبدیل شود. [ما در آن کنفرانس گفتیم که شرط گفت‌وگو با آمریکایی‌ها غیر از سایر شروط، این است که باید مذاکرات را به اطلاع مردم برسانند و مطبوعات آزاد باشند که مورد بحث و نقد قرار دهند.]

آقای دکتر یزدی، در واقع شما مسأله را خیلی خوب شکافتید و من در همین رابطه می‌خواستم از شما بپرسم که با توجه به آشنایی که شما بر اثر اقامت درازمدت در آمریکا با سیاستهای آمریکا دارید، آیا فکر نمی‌کنید که رأی دادگاه می‌کونوس را دولت آمریکا به عنوان یک سند محکم در شورای امنیت یا در سازمان ملل متحد مطرح کند برای مقابله با جمهوری اسلامی؟

دادگاه می‌کونوس یک دادگاه بین‌المللی نیست که آرای آن قابل اعتنا در دادگاه‌های بین‌المللی باشد. این حرف درست است که کاری که دادگاه می‌کونوس کرده در تاریخ دیپلماسی جهان بی‌سابقه است، یعنی برای اولین بار است که رهبران یک کشور خارجی در دادگاهی به جرائمی متهم شده‌اند و اظهارنظری شده است. این یک رویه در مناسبات سیاسی جهان به وجود می‌آورد. اما چون این دادگاه یک دادگاه محلی است، آن رأی دارای وزنی که ببرند به شورای امنیت و براساس آن بخواهند رأی بگیرند، نیست. اما این رأی زمینه را فراهم کرده است. به عنوان مثال برای شنوندگان شما و هموطنان عزیزمان می‌خواهم عرض کنم که اگر آمریکایی‌ها سه یا شش ماه قبل می‌خواستند اعلام کنند که بله، ما کشف کردیم که ایرانی‌ها در انفجار طهران دخالت داشته‌اند و بعد می‌خواستند که ایران را موشک‌باران کنند، افکار عمومی جهان و حتی بسیاری از کشورهای اروپایی با این عمل آمریکا موافق نبود و مخالفت می‌کرد. اما با صدور رأی دادگاه می‌کونوس و جوی که متعاقباً به وجود آمده است، اگر امروز آمریکایی‌ها چنین تصمیمی بگیرند و بخواهند اجرا کنند، برداشت ما این است که با مقاومت و مخالفت کمتری از طرف کشورهای دوست و هم‌پیمانان خود روبرو خواهند شد. از این نظر رأی دادگاه می‌کونوس اهمیت دارد که جو را برای اقدام علیه ایران مناسب و مساعد کرده است.

آقای دکتر یزدی، آیا به این ترتیب واقعاً میهن ما در معرض خطرات بسیار وحشتناکی قرار دارد؟
در مناسبات بین‌المللی، گاهی اوقات روابط کشورها ناگهان به صورت یک بحران بزرگ درمی‌آید. حرف و توصیه اصلی ما به مسئولین کشور خودمان این است که در این گونه موارد اولاً باید خویشتن‌داری کرد و حتی‌الامکان از هر گونه واکنش تند، غوغاسالارانه و حساب نشده پرهیز کرد. دوم این که به یک دیپلماسی بسیار قوی نیاز است تا از برخی پیامدهایی که اجمالاً به آنها اشاره کردم جلوگیری شود، سوم این که زمان آن فرا رسیده است که دولت ایران یک تجدیدنظر اساسی در سیاست‌های خارجی خود انجام دهد. سیاست خارجی ایران رنجور است و تناقضاتی در آن دیده می‌شود. این که چرا این تناقضات هست، خودش بحث جداگانه‌ای می‌طلبد. به عنوان نمونه روابط ایران و ترکیه را بررسی می‌کنیم. از یک طرف بهبود روابط ایران و ترکیه یک ضرورت استراتژیک است. ما با همه کشورهای همسایه باید روابط عمیق و دوستانه سیاسی - اقتصادی داشته باشیم. دولت اربکان با یک حرکت ابتکاری، با هماهنگی کشورهای اروپایی و علی‌رغم نظر آمریکا، با ایران قراردادهای خوبی منعقد کرد. اما ناگهان می‌بینیم که سفیر ایران در ترکیه عملی می‌کند که از چارچوب و اتیکت یک سفیر بیرون است. او می‌رود در تظاهرات خیابانی شرکت می‌کند و ناگهان موجب ریختن آب به آسیاب سکولاریست‌ها و لائیک‌های ترکیه می‌شود تا علیه دولت اربکان و علیه مناسبات دولت ترکیه با دولت ایران عمل کنند. به نظر ما سفیر یک کشور نمی‌بایستی در این گونه برنامه‌ها شرکت کند، ولو اینکه با اصل تظاهرات هم موافق باشد، حتی اگر چه تظاهرات را هم تدارک دیده باشد، نباید خودش شرکت کند. این نوع حرکت‌های ضد و نقیض در سیاست خارجی ایران محل هدف‌های کلان و مصالح و منافع ملی کشور ماست و ما نگران پیامدهای آن هستیم. اما این که فرمودید با چه بحرانها و خطراتی روبرو هستیم، باید عرض کنم که در همان زمان که فی‌البداهه و ناگهانی امارات متحده عربی قضیه سه جزیره را در خلیج فارس مطرح کرد، نهضت آزادی ایران به امضای خود بنده بیانیه‌ای منتشر کرد تحت عنوان «سه جزیره ایرانی در خلیج فارس» و گفتیم که این سناریو جدیدی است

که ممکن است علیه دولت ایران به کار برود و در آنجا تحلیل و پیش‌بینی کردیم که اگر این سناریو اجرا شود، مهمترین خطری که ما را تهدید می‌کند، خطر نقض تمامیت ارضی کشورمان است. الان هم این پیامدهای احتمالی که بنده عرض کردم همین معنا را دارد، و آن عبارت از این است که شاید بیش از هر زمان دیگری ما با خطر برهم خوردن تمامیت ارضی میهنمان روبرو هستیم. به همین دلیل است که ما از تمام نیروهایی که خودشان را ملی - ایرانی و وطن‌خواه می‌دانند، در هر جایی از دنیا که هستند، دعوت می‌کنیم که مصالح و منافع درازمدت میهنمان را فراتر از هر چیزی قرار دهند. با هر عملی که بخواهد تمامیت ارضی میهن ما را تهدید و مخدوش کند باید مقابله کرد و به تمامی کسانی که این برنامه‌ها را می‌ریزند باید هشدار داد که اگر قرار باشد که به بهانه‌های مختلف، تمامیت ارضی میهن ما مورد تهدید قرار گیرد، همه ما خواهیم ایستاد. چون اگر میهن ما تمامیتش حفظ شد، می‌توانیم راجع به نظامش، راجع به حکومتش و راجع به چیزهای دیگرش بحث کنیم ولی اگر قسمتی از سرزمینمان را از دست بدهیم، معلوم نیست که دوباره بتوانیم آن را پس بگیریم. این‌ها خطراتی است که به طور جدی میهن ما را تهدید می‌کند.

ممنونم آقای دکتر یزدی، بفرمایید که آیا در درون ایران جناحی از هیأت حاکم هست که رأی دادگاه میکنونوس شادمانش کرده و زمینه‌های مساعدی را برایش فراهم کرده باشد؟ آیا برای شما رأی میکنونوس زمینه را فراهم‌تر می‌کند؟

تصور نمی‌کنیم، یعنی من در درون جناحهای حاکمیت جناحی را ندیدم که از صدور رأی دادگاه میکنونوس ابراز خوشحالی کند. برای خود ما هم معلوم نیست که این رأی به نفع منافع و مصالح ملی ما در جهت باز شدن جو سیاسی جامعه و بهبود مناسبات سیاسی در داخل ایران شود.

آقای دکتر یزدی، بفرمایید که آیا این رأی دادگاه میکنونوس ممکن است که مثل یک کارد جراحی عمل کند و از پیامد آن یک اتفاق ناگهانی در ایران رخ دهد؟ شما به عنوان یک پیشگوی سیاسی باید در این جا عمل کنید، نه به عنوان دبیرکل نهضت آزادی.

من فاقد قدرت پیامبری هستم که بتوانم پیشگویی کنم. خیلی مشکل است. من فقط می‌توانم تحلیل سیاسی کنم و این کار را هم کردم.

آیا رأی دادگاه میکنونوس ممکن است که در ایران ناگهان پدیده‌هایی را به جان همدیگر بیندازد؟

فعالاً نمی‌شود اظهارنظری کرد.

آقای دکتر، یک سؤال یک شنونده از ما کرده درباره آقای خاتمی و گفته است که این آقای دکتر یزدی و آقای مهندس سبحانی بدون این که هیچ وحشتی داشته باشند، همواره با رادیو صدای ایران گفتگو کرده‌اند ولی چرا آقای خاتمی که بارها از ایشان خواسته شده حاضر نیستند با چند میلیون ایرانی در برون مرز گفتگو کنند و فقط مایلند با کسانی صحبت کنند که در اختیار خودشان باشند؟ شما آیا می‌توانید به این پرسش پاسخ دهید؟

خیر، من نمی‌توانم. شما بروید از دفتر ایشان و از سخنگوی ایشان سؤال کنید.

در پایان می‌خواستم از شما بپرسم که مطالبی که در این گفتگو فرمودید و از همیشه رنگش بیشتر بود مشکلی ایجاد نخواهد کرد؟

ما هر جا که فکر کنیم که پای مصالح کشورمان باشد، حرفمان را می‌زنیم. من تندی نمی‌بینم. عرض می‌کنم که ما دلمان به حال این ملت و مملکت می‌سوزد و لاجرم هر جا که لازم باشد، آن چه به نظرمان برسد، بیان خواهیم کرد.

خیلی از شما ممنونم آقای دکتر یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران.

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۷۶/۰۳/۰۵